

کلیات تحول نظام قضایی

سند ارسالی را مطالعه کردم
به صورت نمودار هم درآوردم
برای فهم بهتر
حجم زیادی از آسیب‌ها و چالش‌های دستگاه قضایی بود
خوب هم

ولی
چند نکته:

۱. تا زمانی که «اهداف آرمانی» ما مشخص نباشد
از دستگاه قضا
این که چه می‌خواهیم
چه هدفی داریم
ته کار می‌خواهیم چه باشیم
چه داشته باشیم
چشم‌انداز یعنی
نمی‌توانیم آسیب‌شناسی کنیم
چرا؟!
چون اصلاً نمی‌دانیم چه آسیب است و چه نیست
مثلاً اختیارات بیشتر برای قاضی
این آسیب است یا فایده
سود است یا زیان
تعیین کردن تمام جزئیات مثلاً در قانون
خوب است یا بد
قانون عرفی تنظیم شود
و تعاریف آن
یا به شدت تابع قرارهای سفت و سختی باشد
همه چیز از قبل تعیین شده
کدام بهتر است؟

این‌ها را زمانی می‌توان قضاوت کرد
زمانی می‌توان آسیب‌ها را شناخت
که رسماً چشم‌انداز داشته باشیم
وضعیت مطلوب را تعریف کرده باشیم

اهداف آرمانی مان را

۲. و بعد راهبردها

استراتژی‌ها مهم است

باید این‌ها را در قالب اصولی تنظیم کنیم

پرنسپ‌های

اصل‌هایی متقن

محکم و غیرقابل خدشه

وقتی اهداف آرمانی ما معین باشد

وقتی بدانیم

بدانیم چه می‌خواهیم

حالا اصل‌هایی در می‌آید

از این خواسته ما

حالا باید اصل‌هایی غیرقابل خدشه تعریف کنیم

قوانین و پروتکل‌هایی

که هرگز از آن‌ها دست برنداریم

چند مثال مثلاً:

اصل اول در نظام قضایی اسلام:

«نظام قضایی مصلحت ندارد»

توضیح:

دولت «مصلحت» دارد

مصلحت‌اندیش باید باشد

دستگاه سیاسی کشور است

سیاست صبوری می‌خواهد

گاهی باید ندید

اغماض کرد

چه در دیپلماسی داخلی

چه در خارجی خصوصاً

نمی‌شود مساوی رفتار کرد

اصلاً عدالت یعنی گاهی ندیدن

گرسنه و سیر را متفاوت دانستن

دشمن و دوست را

مجلس هم تابع مصلحت است

گاهی پیمانی را تصویب می‌کند

مصلحت است



نیاز اجتماعی
اگر چه می‌دانیم مرّ اسلام نیست
مرّ حق و حقیقت هم نیست
اما لازم است
برای همین مجمع می‌آید و رأی شورای نگهبان را می‌برد

اما دستگاه قضا متفاوت
دادگاه مصلحت ندارد
نمی‌تواند مصلحت‌اندیش باشد
شاکی یا متشاکی
فقر یا ثروتمند
دردمند یا بی‌درد
مسلمان باید یا اهل کتاب
اصول‌گرا باشد یا اصلاح‌طلب
خودی باشد یا بیگانه
مسئول باشد یا رعیت
باید عدالت باشد
مساوات باشد
ذره‌ای مصلحت‌اندیشی در کار نباشد

الگوی آن هم رفتار مولا علی (ع) است
وقتی با شکایت یهودی به دادگاه کشیده می‌شود
انتظار مساواتی که از قاضی طلب می‌کند
در حالی که خلیفه اسلام است
رهبر است
امام است
بالاترین مقام مملکت و حکومت است

اگر این اصل محور قرار بگیرد
تمام آسیب‌ها و راهکارها باید حول آن چیده شود
نباید در هیچ شرایط و هیچ موقعیتی
هیچ برنامه‌ای
هیچ دستور و هیچ وحدت رویه‌ای
هرگز هیچ مسئولی حق ندارد خلاف آن مطالبه کند
اصلاً «مصلحت» جایی در دستگاه قضایی نخواهد داشت

اصل دوم این می‌تواند باشد:
«دادرسی مطلقاً رایگان است»



الآن نیست در واقع
باید تمبر باطل کند
به ازای هر سندی که ضمیمه دادخواست کند

البته می تواند تقاضای اعسار کند
«من ندارم بدهم»
استثناء بشود و از مسیر رایگان برود
ولی

این اصل نیست
اصل این است که هزینه دادرسی با شکایت
باید مالیات و عوارض بدهد

حالا اگر این اصل شد
رایگان بودن مطلق دادرسی
شکایت راحت می شود
آسان می شود
به نفع مستضعفین

البته این معارض دارد
بعضی معتقد که باید هزینه دادرسی بالا برود
تا از شکایات کاسته شود
تا شکایات بیهوده نشود
این نمی شود
راهش این نیست
این تلفات دارد

راهش مثلاً جریمه در صورت شکست است
اگر دادخواهی کرد علیه دیگری
مدرک کافی نداشت
آبروی طرف مقابل رفته
وقت او تلف شده
این میزان اتلاف وقت را باید جبران کند
بله این جا محکوم شود به پرداخت جریمه
تا کسی بیهوده شکایت نکند
یا هزینه دادگاه را هم بپردازد
نه در ابتدا
فقط در صورتی که شکایت بیهوده کرده

به عنوان نمونه عرض شد



برای آغاز کار
برای آغاز مسیر

راه این است
ابتدا باید جامعه مطلوب اسلامی خودمان را تصوّر کنیم
جایگاه دستگاه قضایی را در آن ببینیم
این که نقطه اتکای عدالت نظام اسلامی ست
مسئولین راست نمی شوند
درستکار نمی شوند
مگر این که گلویشان زیر پنجه عدالت قضا باشد
مرقّهین دست از ظلم و تباهی بر نمی دارند
دست از اکل مال بباطل
مال مردم خوری
رباخواری
کسبه گران فروشی را رها نمی کنند
واسطه ها دست از دلّالی مفسدانه بر نمی دارند
شهردارها
فرماندارها
استاندارها
وزرا و وکلا
دست بر نمی دارند از فساد
انسان «هلوع» است
آیه قرآن است
باید شلاق بالای سرش باشد
سوط
تا به راه راست بیاید
در راه راست بماند

نظام قضایی را باید در یک وضع مطلوب توصیف کنیم
«اهداف آرمانی» را بر اساس آن بنویسیم
حمایت از مستضعفین
مبارزه با مستکبرین
حمایت از رعیت
مقابله با مسئولین

بعد اصول راهبردی را فهرست کنیم
اصولی که غیرقابل اغماض هستند
غیرقابل صرف نظر
نمی شود دست از آنها برداشت



هیچ کس نمی تواند آنها را زیر پا بگذارد
حتی خود شخص رئیس قوه

بعد برویم دنبال آسیب شناسی
و راهکار پیدا کنیم
برنامه ریزی کنیم
که چه کنیم تا آن بشود که می خواهیم!

سید مهدی موسوی موشح

۱۱ رمضان المبارک سنة ۱۴۴۱ هـ ق - قم المقدسة

